



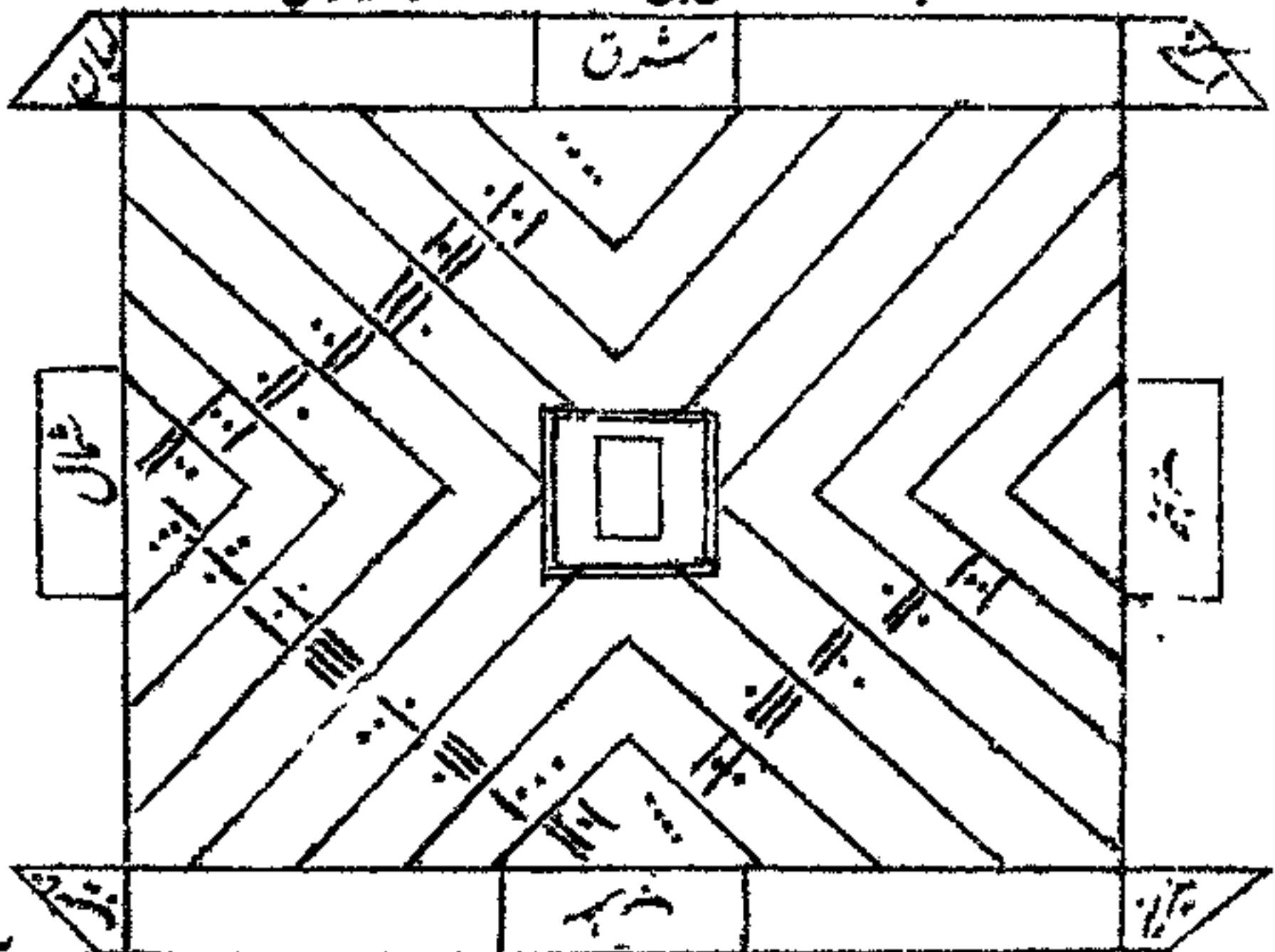
که آن برتقم خانه است سبک و خف است و تدالایش که خانه چهارم است و آن تقیل پس
هر دور با هم ضرب کند و از جوهر آن تخم کند و بگرد و در او تا دو آنچه در روی نزول کرده باشد نتیجه او تا دو اشکال
زیادات اگر باشد قسمت سهام آب و خاک در او تا دو لسان الامر که پانزدهم است دلیل کند فرخی
سال و ارزانی غله اگر اشکال خاکی بسیار بوند دلیل بر شادگی غله که کسی نخورد و اگر باشد در او تا دو لسان
الامر اشکال ناری دلیل است بر قحط و قلت باران اگر باشد در بهارم هوا و ناری در وقت اول و سیزدهم
دلیل کند بر قحط ابتدائی سال اگر باشد در وقت الارض و وسط السحاب و سهام ناری و بادی دلیل است
بر قحط ابتدای سال و انتهای سال و اگر باشد در هفتم و چهارم سهام ناری و هوایی دلیل است
بر قحط میانه سال بی سهام ناری دلیل خشکی است که گاهی قطره بر زمین نریزد و در زمین هیچ نبات
نرود و سهام بادی دلیل است گاه گاهی و بجا بجالی نبات نرود و سهام آبی دلیل برویندگی نبات
متوسط سهام خاکی دلیل بسیاری نباتات و میوه و شیر و شربت پدید آید سیزدهم اول سال است
و چهاردهم میانه سال و پانزدهم و شانزدهم میانه سال و پانزدهم و شانزدهم آخر سال است و
ابتدائی طالع هوا و دلیل برابر و باد تیز و راجع دلیل بر زمین و سحاب دلیل بر نباتات و عاشر دلیل
بر آسمان است باینکه هم محسوس باشد اشکال آبی و خاکی یا بند لیمان و نصرت الداخل به
دلیل برگندم سقاف به منکوس و دلیل بکنید و ماش و طریق و بیاض و دلیل بر شالی
حمره و نقی الحد دلیل بر عدس و کویج و دلیل بر جو و عتبه الداخل به بر بویا و نصرت الخارج و قبض
الداخل و دلیل بر نخود و قبض الخارج و دلیل سونک و عتبه الخارج و دلیل بکلتی و بیسکن هر
اشکال که شکل سبب آید دلیل ارزانی آنچه را کند و بیسکن هر شکل که نفس آید دلیل گرانی کند نوع دیگر نصرة
الداخل به و عتبه الداخل به و نقی الحد به و منکوس به و بیاض به و کویج به و دلیل اندر ارزانی
نیخ و نزول باران و حمره و قبض الخارج به و سقاف به و طریق و لیمان و نصرت الخارج
به دلیل است بر گرانی غله و قحط باران و خشکی هوا نوع دیگر روزیکه آفتاب بجل بخوبی کند
بساعت قمر قرعه زرد و نظر کند پانزدهم و شانزدهم اگر درین هر دو خانه شکل سعد داخل آید دلیل
کند که تمام سال غله ارزان بود اگر پانزدهم سعد و شانزدهم نحس بود اول سال ارزان و آخر سال
گران بود و اگر پانزدهم نحس و شانزدهم سعد باشد دلیل کند که اول سال گران و آخر سال ارزان
اگر در وقت الارض حمره و منکوس بود دلیل کند بر قحط و قلت باران اگر جماعت با طریق یا بیاض یا نقی الحد
یا عتبه الداخل یا قبض الداخل بود دلیل کند بر بسیاری رسمی فصل و ارزانی غله و تنگی حال سوال از احوال

چ

و خوف ناک بود و اگر بنده آید با مال و نعمت ویراید و اگر نه آید غالب بیشتر سوار خواهد آمد و اگر بطریق آید
غایب پیاده آید و چیزی ندارد و اگر آید و در کار بزرگ مشغول باشد بدیر آید و اگر چه بنده آید غایب و
آید اما رنجور یا مجروح و اگر در تمام اشکان مریخ یا شمس باشد غایب و در بود و اگر در دهم اشکال قریبا
زهر باشد غایب در زمان را بود و اگر در دهم شکل مشتری یا عطارد بود بعد از چند روز برسد اگر در دهم شکل زحل
و ابلس و زنب باشد غایب رنجور یا مجروح یا منجم باشد اگر این شکلها در او تا آیند و در حال بیاید
سوال غایب چگونه است که در تمام اشکان آید ساکن است بجز مریخ و اگر مریخ داخل آید
ساکن است مریخ اما نیت آمدن دارد و اگر ثابت بود ساکن است مریخ و نیت آمدن دارد و اگر
سعد ثابت آید ساکن است به ربا مریخ مشغول بود و خواهد آمد و اگر مریخ خارج آید زود بیاید اما دول
تنگ اگر سعد تباری باشد زود بیاید بکوشدن اگر سعد تلب آید در راه است بکوشدن اگر مریخ متقلب
آمد در راه است از بخور و سرگردان مریخ غایب در کدام جانب است از هشتم و نهم شکل تولد
کند اگر تکرار در هشتم یا نهم بود در جانب نهم است و اگر تکرار در چهارم یا پنجم بود
غایب در جنوب باشد اگر تکرار در نهم و هشتم و نهم بود در جانب شمال بود و اگر تکرار در دهم و
یا نهم و دوازدهم باشد غایب بطرف مغرب باشد پاب در بیان ضمیر برادران و خواهران
و اقرباء نقل و حرکت نزدیک و غم حکمت و بخت خواب که بر زود دیده شد نظر کند در خانه سووم و طالع
اگر درین دو خانه اشکال سعد داخل آید دلیل بر مهر و محبت میان ایشان اگر اشکال مریخ آید
و ضد یکدیگر باشند در میان ایشان عداوت جانی باشد و اگر در یک خانه شکل سعد آید و در یک
خانه مریخ عداوت از جانب مریخ حکم کند و اگر در سعد داخل و سعد ثابت آید حکم بر سکونت و ثبات وطن
و اقامت مواضع بود و اگر متقلب سعد بود حکم بر روکت و مریخ متقلب بر پریشانی و سعد داخل دلیل
ملاقات و مریخ ثابت بر بدی حال البیان دلیل است نوع دیگر طالع را با سووم ضرب کند آنچه
حاصل آید موافق آن حکم کند شکل سعد دلیل است بر نیکی احوال و خارج و ثابت بر بدی احوال
و سعد ثابت توقف و تاخیر و متقلب مریخ بر بخوری و محرومی و مریخ و متقلب سعد در نقل و حرکت
دلیل است اگر اجتماع در محل بی زکوار کند دلیل است که سایل برادر بسیار دارد و خواهر کمتر و اگر
جماعت تکرار کرده باشد خواهر بسیار دارد و برادر کمتر تا آنکه ببیند در محل اشکال بر نقطه آنچه بیشتر آید
نقطه آنچه بیشتر بود از آن حکم کند اشکان بیش نقطه دلیل مرد است و اشکال کم نقطه دلیل خواهد اشکال
پیش نقطه انیت بنده اشکان کم نقطه انیت بنده اشکان کم نقطه انیت بنده اشکان کم نقطه انیت بنده اشکان کم

بود و دلیل در سیاهی کشت وید و دکی و نهان اگر نخس بود دلیل در تبی کشت و این باشد اگر نخس
 پیاپی در غم تکرار کند سعد یا نخس کشت کار آید زمین آساید زمین باشد در هر تکرار که سعد بود کشت
 کار آن زمین و محمد و با امانت باشد و اگر در طالع و ۱۰۰ اشکال آبی آید کشت از زیادتیا آید که در هر تکرار
 اشکال نباری آید از بی آبی خشک شود و زمین بی ثمر غلبه قمر بود یا زمین بر آب است و اگر در
 ناله می آید از این اشکال آید  پس دلیل است بر کثرت زمین اگر تملک از زمین
 کند از کشت دلیل است در کشت موش پیدا شود اگر جهالت کرده شود زمین است کشت در زمین پند
 پیاپی و اگر قبض الخاری تکرار کند دلیل است که کشت را طبع خود را سوال از زمین بکنند و در طالع و هم
 اگر اشکال سعد داخل سعد ثابت آید یا اسب که عمارت پدید آید و بهر آن بود که نفس خارج
 با نخس متقلب بود عمارت میسر نشود اگر شود نمی آید همان تبار شود اگر در این زمین از آن بقیه نماند پس در
 شبهه الخاری نه و قبض الخاری نه و حقه پند بود آن عمارت همیشه بر زمین ماندن سر دست سودگر
 غلبه فرج پند یا طریق بود آن عمارت نیم کاره ماند یا سفید و بار ساخته شود و کثرت زمین است غلبه
 حمره یا انگیس بود هر که در آن عمارت بماند زنجیر باشد و سوم مانده و اسب از آن ملک نظر
 کند در خانه سوم و چهارم و پنجم اگر اشکال سه داخل باشند یا سه شش باشد در هر تکرار که پند پیاپی
 باشد اگر پند که ما دانست که در آن طرف و در آن است بنگر و که شکل که در طرف است و شش رابع
 یکدام طرف تعاقب دارد از آن حکم کند اگر پند که در آن جانب است معبر شکل پند است است و شکل
 سوم دست پند و هم مقابل آنجا که شکل سیزده حکم آبادانی کند در آنچه که شش شش پند که در آن کند اگر
 در پیاپی شکل حمره آید الماک بی آب شود یا خارستان بود اگر در رابع پند است از این اشکال
 باشند بی آب و ریگستان و شور یا غار و ارونا خوش بود اگر در رابع پند است 
 از این اشکال باشند آن الماک در درختان و بیره دارد و دلکش بود اگر در رابع پند است از این اشکال
 شدند آن الماک در درختان کمتر دارد و کمتر شود سوال از مقام اگر پند که این مقام بر سر مبارک است
 بنگر در شکل چهارم که هر شکل نشسته است پس دلیل آن مقام بروی شوم بود از آن مقام
 در بسیار خاطر اگر این اشکال باشند پند پس دلیل که آن مقام سعد یا دولت بود اگر این اشکال با این
 پس دلیل که آن مقام سعد و میون باشند و اگر این اشکال آید پس دلیل که در آن مقام دو دوله
 شد اما مقام سعد باشد اگر این شکل آید پس دلیل که آن مقام سعد و مبارک بود و در نزد آن
 رزی شود و همیشه پوعیش ماند اگر این اشکال آید پس دلیل که آن مقام نخس بود و بار بار باشد

بصداقی است که در سایل سوال کند از تخمین و دقیقه که در آن پذیر می هست یا نه بدان نیت رمل نژاد و نظر کند و
 فانه ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۱۰ اگر من داخل باشد و صداتی و دقیقه و گنج بسیار بود اگر داخل من باشد اندک بود
 اگر خارج من باشد و بیچ نباشد اگر من ثابت بود دقیقه باشد اگر ثابت من بود بیچ نبود و سود منقلب بازه
 باشد و من منقلب بیچ نبود چون معلوم شود که چیزی هست انگاه و ایله مربع بکشد آن دایره چهار قسم منقسم
 سازد یعنی چهار خط در میان آن خط بکشد انگاه نظر کند در خانه سوم و چهارم و پنجم و دهم تا درین خانهها چه
 اشکال آمده اند و از طالع چهار زمانه غالب کدام بود البته درین دران موضع بود اشکال شرقی $\equiv \equiv \equiv$
 $\equiv \equiv \equiv$ اشکال غربی $\equiv \equiv \equiv$ اشکال شمالی $\equiv \equiv \equiv$ اشکال جنوبی $\equiv \equiv \equiv$
 به چون هر یک جانب معلوم شود باز آنرا چهار قسمت کند به همین عمل عمل شود تا صواب آید و بعد از
 شکل ششم یا چهارم ضرب کند اگر عدد داخل و سود ثابت بود دلیل هستی درین باشد منقلب و منقلب
 یاره بود و خارج عدد من بیچ نباشد اول یا چهارم ضرب کند و شکل تولد سازد و چهارم
 یا پنجم ضرب کند شکلی بکشد و بگوهر آن شکل حکم کند که درین هست یا نه سوال چون خواهد که درین بیرون
 آرد از آنجا که کمالت از گنج مکنج خطوط مربع بکشد بر این سوال



و اشکال که در بیخ خطوط نهاده شده اند در خاطر دار و از چهار اوت و این عمل که کسیت است چنانچه درین صورت نگردد شکل بیرون آن
 از آن بیرون بیرون آید شکلی که بیرون آید و خطوط دیگر که در کدام خط هست هم دران خط درین بود امید هست که بدست آید
 سوال از آن بیخ و در رعایت چون سوال از باغ و در رعایت و کشت و کار کند نظر کند در خانه چهارم اگر شکل

چند اشکال باشد حیات آن فرزند پذیرفته باشد سوال از عمر فرزند نظر کند در خانه چهارم
 آنچه شکل آمده است و کجا تکرار کرده است اگر در او تا ذکر کند حکم سالها کند و اگر در عیال چند تکرار
 کند حکم ماه یا کند و اگر در عیال و تکرار کند یک بر هفته و روز یا کند اگر هیچ با تکرار کند حکم سعد بر سال و حکم نحس
 بر هفته و حکم اوسط بر ماه یا کند بر آنچه این جدول نموده میشود جدول سطوح است

اشکال	≡	≡	≡	≡	≡	≡	≡
سال	۸۶	۸۲	۵۷	۱۲۰	۶۴	۹۵	۸۰
ماه	۲۵	۲۲	۳۲	۲۲	۲۹	۱۹	۳۷
روز	۳۸	۱۲	۱۳	۱۲	۱۳	۱۸	۳۰
اشکال	≡	≡	≡	≡	≡	≡	≡
سال	۱۳۰	۸۲	۱۱۶	۱۲۰	۸۲	۸۲	۸۲
ماه	۱۲	۲۲	۸۶	۱۲۰	۸۲	۸۲	۸۲
روز	۳۰	۱۲	۳۰	۱۰	۱۲	۸	۲۵

سوال از خانه سهل زاید یا دشوار زاید نظر کند و هشتم و طالع اگر شکل سعد خارج یا سعد و منقلب آید
 آسان زاید و اگر در نشانی ثابت نشانی آید هم مرگ بود اگر سعد داخل یا سعد ثابت آید یا اندک دشواری
 زاید اگر نشانی خارج یا منقلب آید نیز بدشوار می زاید اگر در هشتم و یازدهم یکی از این \equiv \equiv \equiv
 چند اشکال آید و لیس کند بر مرگ حاصله اگر در پنجم تکرار کند دلیل بر مرگ فرزند و منقاد صی حاصله اما
 ابو سعید طلا موسی گوید مطلق خانه منی حاصله و نبوس از هشتم و یازدهم شکل انگیزه و از جوابه این شکل حکم
 کند از داخل و خارج و ثابت و منقلب سعد و نحس سوال حاصله کدام وقت زاید بدین است در این زمانه
 شکل طالع ملاحظه کند تا چه حکم وارد و آن شکل بکدام شماره منسوب است و آن شماره کدام مورد است
 اگر در طالع شکل مذکور بود و زاید و اگر شکل طالع در کدام خانه مکرر شده اگر در دوم مکرر شود دوم ساعت
 زاید اگر در سوم تکرار کند سوم ساعت زاید تا دوازدهم و دوازده ساعت زاید اگر در طالع تکرار کرده باشد
 از تکرار شکل پنجم حکم کند اگر قدرت انجیر در طالع یا در پنجم آید دلیل که تولد فرزند پنجم شب یا نیم روز شود اگر
 پسندد و کدام طالع زاید در پنجم گردد که آن شکل بکدام بروج تعلق دارد و از آن بروج حکم کند سوال
 از نیک بختی فرزند شکل خامس یا ناس من مهرب کند و حاصل با میزان لعل بر دوایخانه و آن آمد

دزدانی کالای غیر نذرسوال در دوطایر شود یا نه تمام نقاط رمل را و مکان طرح و اگر یکی مانند ظاهر نشود و
اگر دو مانند ظاهر شود سوال دزد مذکور است یا سونث جمله نقاط رمل را جمع نمود سه کان طرح کن
اگر یکی مانند زود بود اگر دو مانند زن بود اگر سه مانند کودک مغیر بود سوال دزد کجا هست جمله
نقاط رمل راسته کان طرح و هندگری مانند سیاه بود و اگر دو مانند از اهل خانه بود و سه مانند زود میکانه
بود سوال دزد چه رنگ دارد جمله نقاط رمل راسته کان طرح و هندگری مانند سیاه بود و اگر
دو مانند سرخ و سفید باشد اگر سه مانند گندم گون بود و هنر رنگ سوال دزد در شهر است یا خارج
را با چهارم و سابع را با دهم ضرب کند و از هر دو یک شکل انگیزد اگر آن شکل داخل آید یا ثابت در شهر است
اگر خارج آید نیست و اگر منقلب آید در شهر است و نیت رفتن دارد نوع دیگر از آتش هشتم و دوازدهم
و چهاردهم و پانزدهم شکلی انگیزد پس منکره اگر آن شکل داخل یا ثابت آید در شهر است و نیت رفتن بیرون
سوال دزد چه کسی است شکل سنج که از آتشهای ششم و دوازدهم و پانزدهم حاصل شده است
بنگردد که آن شکل سکن کجا دارد و اگر طالع وارد از اهل خانه بود اگر در روم سکن باشد دزد از خانه بیرون
باشد در سوم خانه از برادران و خواهران خویشان باقی باشد در چهارم از خانه پدر یا برادران و دیگران
باغبان بود اگر در پنجم بود از خانه فرزندان و سولان و شوقان و بولیان و نکاحان و نظریان بود اگر
در ششم بود از خانه بندگان و نوکران و شاگردان و غلامان و کنیزکان بود اگر در هفتم بود از خانه
بزرگان و اربابان بود اگر در هشتم بود از خانه بازیگران و میراثان و قطع طریقان و مردودان
بود اگر در نهم بود از خانه حاجیان و درویشان و زاهدان و مسافران و حکیمان بود اگر در خانه دهم
از خانه باو شاهان و ملوکان و اکابران و علمداران بود اگر در خانه یازدهم بود از خانه دوستان و آشنایان
باشد اگر در دوازدهم بود از خانه مجوسان و اراذل قومان و پاسبانان و جلادان باشد سوال
از خانه صاحب مال و خانه دزد از چند خانه در میان است و نظر کند در خانه نهم و ششم و هفتم تا چه شکل
شده باشد و عدد نقاط ایشان بشمارد و حاصل شکل پنجم قسمت کند از آنچه از قسمت بدون آید بمابقی
مانده در میان صاحب مال دزد باشد سوال در کدام جانب خانه دارد و منکره که تا در عاشره وسط
سما چه شکل نشسته است در آن شکل بکدام جانب تعلق دارد و از آن حکم کن از مشرقی و غربی و جنوبی و شمالی
سوال در دوازدهم دزد کجا است بنگردد تا در نهم کدام شکل است و آن شکل بکدام جانب تعلق دارد
از آن حکم کند سوال دزد در خانه چکویه از دست بنگردد چه نهم اگر \equiv آید در آن خانه
باشد اگر \equiv بود در آن خانه باشد با یک \equiv بود در آن خانه بود در آن خانه بود

لعین پیدا آید در صورتی که در صورتی که در شکل سعد و طالع و قوسین ملر و حیاه آمیز بود سوال
 بعیش و شارس که در صورتی که در شکل طالع را با پنجم زند و یا زود هم از هر دو
 کل یک شکل تو کند که در شکل طالع آید هیس. شاد و مانی الحال میسر شود اما عاقبت مضرت
 شد اگر بخش بر سر ثابت بود میسر شود اگر مد خارج یا سعد منقلب آید بعضی میسر شود
 یعنی اگر منقلب یا طالع باشد یا طالع باشد بیان که نخته دکم شده و زود دیده و بیمار و کثیر تک و چهار
 به زود هم شکایتی ربطی ندارد در خانه ششم و دوم و طالع اگر شکل سعد داخل یا سعد ثابت آید
 لیل که نخته بود باز آید اگر بخش داخل آید بعد از ویری گرفته شود اگر بخش خارج یا بخش منقلب
 بخش ثابت آید یا نخته نشود اگر ششم داخل بود بسته شود اگر ثابت بود در جماعت نشسته باشد
 از خارج یا منقلب بود تنها باشد اگر در چهارم و دهم شکل داخل یا ثابت بود که نخته در شهر مفیم باشد
 که خارج بود از شهر بیرون رفته باشد و بخش خارج بر راه بعید بود و سعد منقلب تر و در رفتن میکند و
 نس منقلب در راه بیرون اگر در شکل با شش از جای که آمده بود بد استخار رفته باشد سوال
 زبونیار خواهد یافت یا نخته یا نخته و تا شکل طالع کجا مگر شود اگر در راه تا و تکرار کند چون دیده یافته شود
 در در مایل او تا و تکرار کند دلیل که در راه بود میرو و اگر در زایل و تکرار کند دلیل که بماند و نه بیند
 جالی باشد سوال اگر شده در دست آید یا شکل ششم و هفتم ضرب کند اگر حاصل آن سعد
 داخل بود کامل تمام یافته شود اگر سعد منقلب بود بعضی از آن یافته شود و بعضی نه و بخش منقلب
 خارج ثابت یافته نشود نوی دیگر حقیقت اتصال و طاق انفصال از جمیع افراد ملر دو کان طرح
 نذا اگر کی ماند کم شده پدید آید نشود و اگر دو ماند پدید آید نشود و هر یک اگر در خانه هفتم یکی از این سه شکل
 آید کم شد یا سانی تمام دست آید اگر از این شکلهما \equiv \equiv \equiv بنه آید پاره از آن یا بند
 اگر از این اشکال \equiv \equiv \equiv آید بعد از و دوم دلیل مباحثه بدست آید اگر از این اشکال \equiv
 آید بعد از سوای و هشتاد بدست آید اگر یکی از این اشکال در هفتم آید \equiv \equiv \equiv \equiv \equiv
 که شده بدست نرسد سوال از زود دیده بدانکه طالع دلیل سالیست و دوم بیت سایل هفتم دلیل
 نفس زود دیده به هفتم بیت الما زود و چهارم مقام کالای نهاده اما چون این \equiv \equiv \equiv
 زود آمده باشد ان پیروز زود دیده است و خود فراموش کرده باشد اگر در طالع و دوم و هفتم و
 ششم یکی از این اشکال \equiv \equiv \equiv \equiv \equiv نشسته باشد سایل آنرا خود خارج کرده باشد یا جالی انداخته
 باشد اما چون در طالع و ثانی و هفتم و ششم اشکال آید زود در ابکالا بگیرد اگر در هفتم داخل و هفتم خارج

مصدران الرمل

تیکور و سیاه چشم دراز موسی بلند بینی و از بالا باریک ساق فراخ و آن پهلایل شخصی تمام بالا اعراض شک
 اذام گندم کون اندک بزرگ و زرد بلندی دراز موسی کوتاه محاسن باریک دندان بر
 عضوی نشانی دارد سوال دزد کالا را کجا داشته باشد از دوم و ششم شکل بیرون آرد و او از دوم و
 دوازدهم بیرون آرد و از هر دو یک شکل بر آرد از جواهر آن شکل حکم کند \equiv دزدیده در زمین دفن کرده
 باشد از جانب جنوب یا در ضدوق یا در حوالی کرده بر زمین کرده باشد \equiv دزدیده بر جانب جنوب
 بزیله و نجاست گاه و گلی نهاد و آنجا که طهارت آدمی باشد نهاده بود \equiv دزدیده بجانب مغرب بر
 درختی یا بر طاقی یا بر بامی نهاده باشد \equiv دزدیده بجانب جنوب در زمین دفن کرده باشد دزدیده
 بجانب مغرب بر طاق یا رواق یا بلندی نهاده باشد \equiv دزدیده بجانب شمال در سبز گاهی بجائی
 خوش پنهان کرده باشد \equiv دزدیده بجانب جنوب نزدیک دارد او مغرب چنانکه باشد و او پنهان
 بود دفن کرده باشد \equiv دزدیده بجانب مغرب نزدیک گورستان یا مسجد یا زیارت گاه و صندوقی
 نهاده باشد دزدیده در پایگاه اسپان و شتران یا ستوران بجانب مشرق نهاده باشد \equiv کالا در بلخ
 بستان بجانب مغرب نهاده باشد \equiv بر سر راهی بزرگ یا در سبز گاه بجانب شمال دفن کرده باشد
 کالا بمقام بزرگ یا راه گذر بجانب شمال دفن کرده باشد \equiv دزدیده بجانب مغرب نزدیک گورستان
 مسجد یا زیارت گاه \equiv کالا بیکان بزرگ یا راه گذر بجانب شمال دفن کرده باشد \equiv کالا نزدیک درختی
 بجانب شمال نهاده باشد \equiv کالا نزدیک حمام یا در مسجد یا در صومعه بجانب مشرق نهاده باشد
 کالا نزدیک آتش کده یا خانه ویران یا طهارت خانه بجانب مشرق نهاده باشد \equiv دزدیده
 راه گذری یا آتش گاه یا خاکستر و یک آن جانب مشرق دفن کرده باشد سوال دزدیده گرفتار
 بیانه در خانه نم نظر کند از جواهر آن اشکال حکم کند \equiv خداوند مال دزد را بگیرد \equiv دوست سایل
 پیدا رسایل دزد را بگیرد \equiv بر او را یا خواهر یا همسایه سایل دزد را بگیرد \equiv پدر یا عموی سایل
 را بگیرد \equiv بن فرزند یا معشوق یا رسول سایل دزد را بگیرد \equiv غلام یا کنیزک سایل دزد را بگیرد
 هم یا شریک با زن سایل دزد را بگیرد \equiv اهل میراث چنانچه جام دزد را بگیرد \equiv اهل علم و مسافر
 بی دزد را بگیرد \equiv هم کار سایل دزد را بگیرد \equiv از دوستان قدیم سایل دزد را بگیرد \equiv خصم یا
 سایل دزد را بگیرد \equiv خویشان سایل دزد را بگیرد \equiv از ابناء زن سایل دزد را بگیرد \equiv دوستان
 یگان با خدمتگاران سایل دزد را بگیرد سوال دزد حاضر است یا نه اول شکل دایره استخراج
 رآن در باب سابق رفته است پس آن شکل را با شکل مغرب کند اگر آن شکل مستخرج داخل آید

ماکه اگر \equiv بنه آیند در آن وزو سیاه کسر شده باشد یا در او در هم و قلع شده باشد اگر بنه \equiv
 در آن لبید و ارسته کرده برزیب و زینت باشد اگر بنه \equiv بود در آن بلند یا خورد بر زینت و آرسته
 بود اگر بنه \equiv آید در آن باریک و کونه و بنت باشد اگر \equiv آید در آن همیشه و با باشد کوشگی ندارد و با ویران
 بود سوال زد چه صورت دارد در مضمون نظر کن تا چه شکل نشسته است ازان حکم کند \equiv دلیل کند بر
 نخه فرخ چشم و فرخ سینه چین پیشانی باریک بینی کشاده ابرو و پیش چشم سیاه موی سفید اندام پرا
 بزودی بر روی یا گردن خالی دارد \equiv دلیل کند بر شخصی مربع نه و زبانه لاغر سرخ و سفید مایل بزودی
 بر اندام موی بسیار دارد گندم گون و سیاه چشم و سیاه موی کشاده ابرو و بزرگ سرپن پیشانی بر پا
 نشانی یا زخمی باشد یا خالی باشد دندان بزرگ دارد \equiv دلیل کند بر شخصی آشفته و دور و عکونی نشانی
 سیاه چشم و سیاه موی پیوسته ابرو کوتاه گردن کثیر انگشتان کوتاه دست و پیر گوشت گاه گاه
 چشم پیش گیرد و باشد بر سینه او موی انبوه باشد بر روی یا بر بینی داغ یا جرمی دارد سبز یا سیاه رنگ
 اش \equiv دلیل شخصی مربع و بزرگ سرفراخ پیشانی کشاده دندان بزرگ و زخم و ریش یا آبله داشته
 شد در تنگ شامل باشد \equiv دلیل بر شخصی امروبی ریش یا گونه یا خوش شکل سیاه چشم باریک بینی
 پیوسته دندان سفید گون باشد \equiv دلیل بر شخصی چهار سوند فرجه درازانه کوتاه سیاه چهره شایه که کم اصل باشد
 بند زود بود و چشم او عیبی بود یا کور چشم باشد اندک ریش باریک ساق گنج دندان برسد و اندام نشانی
 او \equiv دلیل کند بر شخصی طویل قدنا سورا بود یا ریش بزرگ بر لب بزرگ دندان و رنگین موی
 لذق چشم سیاه اندام بر پای او عیبی باشد \equiv دلیل کند بر شخصی طویل قد سرخ اندام کبود چشم نشانی
 برود داشته باشد چشم فرخ دارد \equiv دلیل شخصی سفید اندام تمام قد نیکو موی پیوسته ابرو و کوچک سر
 رخ ابرو بر و نشانی دارد سفید اندام بزودی مایل \equiv دلیل بر شخصی میان بالا سرخ و سفید خورد
 سرفراخ پیشانی بزرگ چشم پیوسته ابرو و بجانب راست نشانی دارد \equiv دلیل بر شخصی مربع که در موی
 یا چشم کشاده ابرو و بزرگ سرفراخ پیشانی سبز رنگ دارد \equiv دلیل کند بر شخصی دازد نا لا خشک اندام
 روه لغا کره صورت خورد چشم باریک چشم و چشم و سی خلیبی شد یا شب کوی یا گل و چشم بود یا ناخونه باشد سیاه
 ده یا سرخ رنگ بود \equiv دلیل کند بر شخصی دراز بالا کبود چشم ضعیف کشاده دندان یا شکسته دندان پیوسته
 بر و باریک ساق و بی ریش بود و چشم چشم باشد دراز بینی و دراز انگشتان بزرگ سر بر روی او زخمی
 حیده باشد گندم گون یا سفید اندام باشد \equiv دلیل کند بر شخصی دراز بالا باریک اندام سفید پوست کبود
 نم خورد کشاده ابرو و بینی یا بر سر روی نشانی داشته باشد \equiv دلیل بر شخصی گندم گون پیوسته ابرو

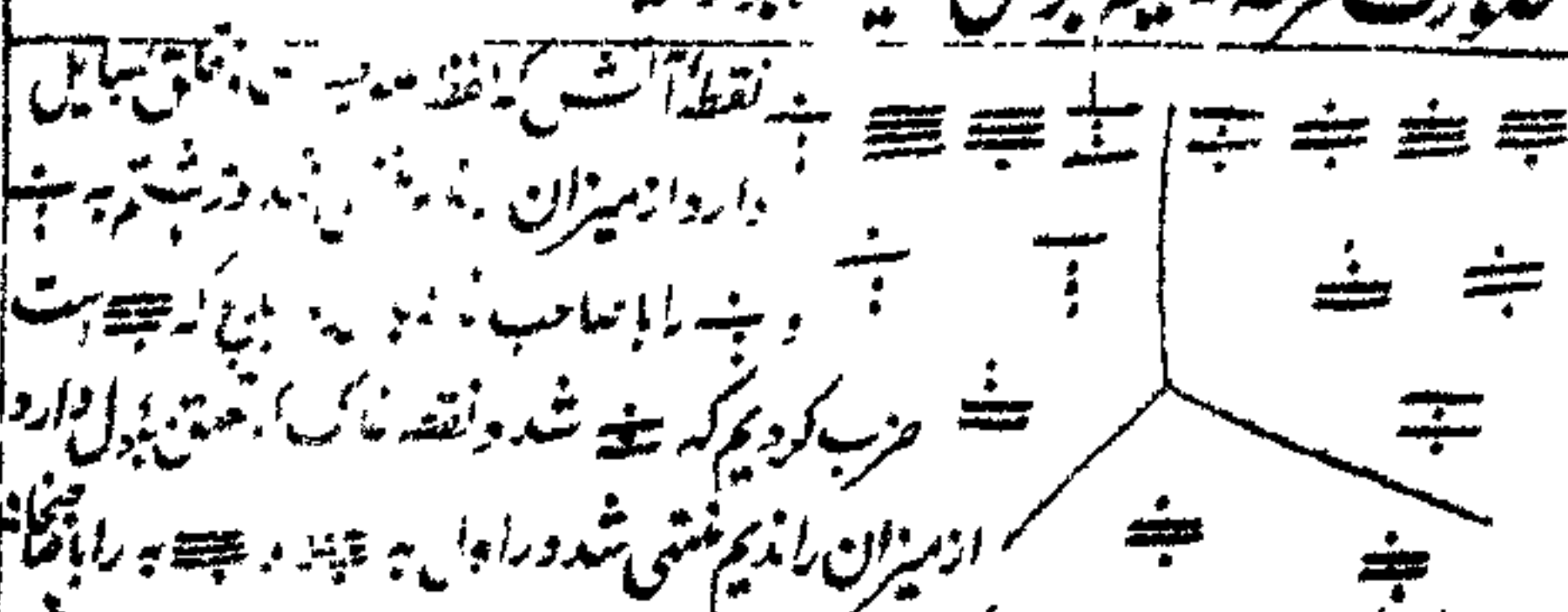
حاضر است اگر خارج آید نماند نیست که منقلب آید گاهی سافر میشود و گاهی منقح می ماند اگر ثابت آید
باشد که حاضر شود یا نه سوال حاضر و زود چند کس اندازد اگر اشکال عالم کند تا شکل بر چند محل تکرار کرده
نماند همان مقدار زود باشد اگر مکرر نشده باشد زود تمام بود سوال زود کالا را کی برده از خانه
وید تا چه شکل آمده باشد از آن حکم کند و در نیم این تامل کند تا صواب آید سوال زود چه اشیا
در است در خانه تکرار تا چه شکل آمده باشد از آن حکم کند که گاهی عمل و یا قوت و مرجان
سرخ سرخ مارق تمام سونماکی و دنیا سکه زده سرخ و گوگرد و گوگل مس و سرب و آهن
بر جبهه و آبکینه و فیروزه سنگ سماق و سیاه و تملق بنه مر و اید و مرجان و صدون و اکاس نقره بنه
در سنگ و سرب و آهن و قلعی و در هم سنگ سرخه سنگ سرخ و هر و سیاه و شکل سرخ و آهن و
سرب و مقناطیس سنگ سفال و صدون و شست و فولاد و مس و بلور مر و اید و صدون و
لب قلعی و سرب و جابره و کاغذ سفید الماس و یا قوت و مرجان و کبریت و زنجیر و کبریا زود و انگشتر
طلوع و سفال و بلور و صدون و فلزات و شال و اید و شیمی و نیک و قلعی و نقره و شال
مشتری نه کاغذ و سفال و شست و آهن و سوزن بنه آبکینه و سنگریزه و مس و سرخ و مرجان و لولو و
صدون و آبکینه و سنگ بلور و یا قوت و زبرجد نیم فیروزه و سیاه نقره و کاغذ و ایمان بلور نقره و سیاه
بر پاس و ایمان و کاغذ شکل کالا از شکل هشتم حکم کند و لون کالا از حکم کند و قیمت کالا از چهارم باید
هفت سوال درین جمع و زود کدام است چهار قسمت کند و بهر چار جانب ستاره کند به نیت هر نیت
رمل زود و هر رمل که بجا نه ۱۳ شکل ثابت آید زود و رطلایند باشد پس انظار این چهار قسمت کند
و باز به نیت هر قسمی رمل زود و هر صفت که بجا نه ۱۳ شکل ثابت آید زود و در آن صفت بود یا نه همون
عمل کند تا که زود ظاهر شود سوال نوحه یکی جماعتی که کان برایشان سبت بچار قسمت
لذت به نیت ایشان رمل زود پس آنکه نقطه آتشی او ۲ و ۹ و ۱۳ بر گیرند و شکلی سازند و از خاک او ۳ و ۱۰ و ۱۵ و ۱۸
شکلی سازند و نقطه آبی او ۶ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ بر گیرند و شکلی سازند آنگاه نظر کند بر شکل چهارم که کدام شکل در اصل سکون
خود است و زود در همان رکن باشد پس بهر صورت مذکور بجا آید زود و برین سوال رمل زود و سبت کند که کدام رمل
در اصل سکون خود است و زود در همان رکن بود باز صفت آن رکن را عمل زود و رمل زود و اشکال اسخترات
نماید تا که زود ظاهر شود سوال از برای رجوع چه سرخ و اید و برین نیت رمل زود و بجا نه ساوس تکرار شکل
نارسی بود علت او از حرارت و تلخی باشد اگر شکل هوایی آید علت از باد بود و نظر جن و شیاطین و سحر
و جادو باشد اگر شکلا آید علت وی از تلخ و سرد باشد و اگر شکلا خاک آید علت وی از خون بود و برین

صحت یابد $\equiv \equiv \equiv$ و لیل که بعد از چند روز صحت یابد $\equiv \equiv \equiv$ و لیل که بعد از مدتی صحت یابد $\equiv \equiv \equiv$
 و لیل که بعد از مدتی بپیرد $\equiv \equiv \equiv$: و لیل که یک یک بپیرد اگر شواهد سعد باشند و ازین اشکال
 مستخرج شوند قریب مردن شود و آنگاه بینید اگر شواهد خسر آید اول فرصت یابد و شفایافته شود و باز بپیرد
 سوال از غلام و کنیزک باید که طالع را با ۱۲ زنده و ثانی با سانس زنده و ازین هر دو اشکال یک شکل
 استخراج کند و ازان حکم کند $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ آید میمون و مبارک و ثابت قدم بود $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$
 آید مبارک بود اما بطوع صاحب فروخته شود $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ آید بپیرد و یا بگریزند $\equiv \equiv \equiv$: عذار و اگر سر ما بود $\equiv \equiv \equiv$
 $\equiv \equiv \equiv$ رنجور شده هلاک شود $\equiv \equiv \equiv$ اگر غلام بود کوفی و لوطی و فاسق و قمارباز و کم وفا و کاذب باشد اگر کنیزک
 بود زانیه و مکاره و دزد و گریز یابد $\equiv \equiv \equiv$ ثابت قدم بود اما مکر و غدر بسیار داند سوال این بنده
 چه نسل دارو از ششم و دو از و هم شکلی بر آرد ازان حکم کند $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ بپیشی بود $\equiv \equiv \equiv$ هندو بود $\equiv \equiv \equiv$ رومی بود
 $\equiv \equiv \equiv$ کرجی بود $\equiv \equiv \equiv$ ارمنی بود $\equiv \equiv \equiv$ فرنگی بود $\equiv \equiv \equiv$ ترکی یا خطائی بود $\equiv \equiv \equiv$ زنگی بود یا شرقی بود اگر یکی ازین
 اشکال نباشد بنده نباشد نیک اصل بود کسی او را بکفر و غدر آورده باشد خصوصا که $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ یکی
 ازین اشکال حاصل شود سوال از چهار پایه خورد و نفع است یا نه طالع یا ۴ زنده و ثانی را با دو ازین
 از هر دو یک شکل حاصل کند و ازان خبر دهد $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ نفع بیند و از یکی بسیار شوند $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$
 همان پاید ارماند اما بسیار نشوند $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ مبارک باشد اما فروخته شود $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$
 بپیرد و زبان آرد $\equiv \equiv \equiv$ کم شود با غارت بود $\equiv \equiv \equiv$ رنجور گردد و مبارک شود سوال از طیبور
 چنانچه بازو جبهه و شامین و شکوه و کبوتر و طوطی و شارک و آنچه بر این مثال اند اما این سوال
 از طیبور و نوع خواهد بود یکی از پرند که آن بازو جبهه و شامین و شکوه و کبوتر باشد که غرض
 پرش ایشان بود و دوم گوینده که آن طوطی و شارک و قمری و فاخته که غرض الحان بود در
 هر دو حال او را ششم را ملاحظه نماید اگر هر دو خانه اشکال سعد آیند و لیل نفع باشد اگر خسر
 آیند زبان و حسارت بود سوال از پرند چنانچه بالا مذکور شده و غرض از پرش آن طاهر
 بود طالع را با ۴ زنده و ثانی را با ۴ هم و ازین اشکال یکی حاصل کند و ازان حکم کند $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$
 و لیل که بنیایت پرند تماشای خوب نماید $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ و لیل که بسیاری شکار آند و وفا کند $\equiv \equiv \equiv$
 $\equiv \equiv \equiv$ و لیل که چندان نه پرند و شکار کم کنند اما ثابت باشند $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ و لیل که در پرش
 که شوند و باز نیایند $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ و لیل که رنجور شود و هلاک رسد $\equiv \equiv \equiv$ و لیل که خوب پرند و شکار کند
 اما گاه گاه کم شود و در نظر آید و بعد از شخص بدست آید سوال از گوینده یعنی طوطی و شارک نیز ازین

دقمری وفاخته و آنچه خوش الحان باشند طالع را با هم و سوم را با ششم ضرب کند و ازین هر دو شکل یک
شکل تولد کند و از آن حکم کند $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که خوش الحان و بلند صورت باشند $\equiv \equiv \equiv$
دلیل که خوش الحان بودند و بلند آواز نباشند $\equiv \equiv \equiv$ بلند آواز باشند اما خوش الحان نبودند $\equiv \equiv \equiv$
دلیل که گریه آواز بی غم بودند $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که رنجور شده و پلک گریه و یا گریه خور و
نواستن و دعوی کردن و مباحثه و تنگ و خصومت کردن اگر شامل سوال کند از عقد و نکاح
طالع دلیل مرد است و سابع دلیل زن و ثانی بیت المال مرد و ثامن بیت المال زن اگر این $\equiv \equiv \equiv$
چهار عدد داخل باشد عقد و نکاح واقع شود و مبارک بود اما در نکرند تا چه شکل آید اگر این $\equiv \equiv \equiv$
اشکال یکی در و طالع آیند دلیل بود و واقع شدن عقد و نکاح اگر یکی ازین $\equiv \equiv \equiv$
اشکال $\equiv \equiv \equiv$ در و آیند دلیل که عقد و نکاح واقع نشود اگر یکی ازین $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ اشکال
در و آیند دلیل که عقد و نکاح واقع شود اما در میان ایشان تفریق پیدا آید آن زن در خانه شوهر خانه
نباشد اگر در طالع و $\equiv \equiv \equiv$ اشکال داخل آیند نکاح و عقد البته واقع شود اما باشد که از طالع و $\equiv \equiv \equiv$ اشکال
و صلاحیت آن حکم کند که آن زن چگونه بود $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که زن مستور و اهل شوهر و با دولت
بود $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که آن زن ثابت قدم بود و اهل میا و وفادار باشد اما چون جماعت آید چون $\equiv \equiv \equiv$
بسیار زاید اگر اجتماع آید اکثر پسر زاید و بیاض پسر و دختر مساوی زاید $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که آن زن اصلاح
خویش کار کند و خوب سپند باشد اما با دولت بود و صلاح آما باشد $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که آن زن مایل بر و بیکی
باشد بر خنده و بانسی و سحر بسیار دارد و اکثر بی رضای شوهر بخانه خلق رود $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که آن زن
جنگجوی قاور دست بر شوهر باشد $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که آن بگویی بی صورت و بی هنر و بی شوهر
رضای شوهر نباشد و گریز پا بود $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که بدکار بود و دشمن شوهر باشد $\equiv \equiv \equiv$ دلیل که آن زن بیگوست
زبان دراز باشد و در دل دشمنی دارد سوال از زن که چه شکل دارد در بین نیت قرع زنده و نظر کند $\equiv \equiv \equiv$
تا چه شکل دلیل آن حکم کند سوال زن نیک اصل است باید اصل شکل $\equiv \equiv \equiv$ یا آینه ریل که چهار وجه
است ضرب کند و حاصل آن باونم زند آنچه تولد کرد و ببیند که بانچه نسبت دارد از آن حکم کند
 $\equiv \equiv \equiv$ از خانه اهل علم و دانشند و زاهد و عابد باشد $\equiv \equiv \equiv$ از نسل امی الجبار و کماند زبان و پیرانه
در دم و فنون باشند $\equiv \equiv \equiv$ از نسل نبی و بزرگ و مجوسان بود $\equiv \equiv \equiv$ از نسل تیار و مسافر
و مسطوران و رنگ ریزان بود $\equiv \equiv \equiv$ از نسل ملوک و پادشاهان باشد $\equiv \equiv \equiv$

صورت قرعه که حکیم کجراتی کشید و بود اینست

سوره قدر اول



بدایره مذکور که است ضرب کردیم این شد $1 \times 2 = 2$ و از ضرب $2 \times 3 = 6$ و $6 \times 4 = 24$ و $24 \times 5 = 120$ و $120 \times 6 = 720$ این شد
 $720 \div 6 = 120$ و آب سوم میزانی است شاید است بر خانه آب سوم که خانه یازدهم
 است و خاک $720 \div 6 = 120$ خاک سوم میزانی است شاید است بر خانه خاک سوم و آن خانه
 دوازدهم است چون نقطه آب نسبت به نقطه خاک علویت و فقط علوی را براسه
 استخراج کنیم مطلوب بدانند پس نقطه آب را کار فرمودیم نقطه آب $720 \div 6 = 120$ و ریازده بود
 و در مرکز خود بود و آب $720 \div 6 = 120$ شاید است بر خانه سوم بدو دلیل دلیل اول آنکه آب $720 \div 6 = 120$
 آب هفتم است و شاید خانه سوم هفتم است و دلیل دوم آنکه خانه یازدهم شاید است
 بر خانه سوم بدو دلیل شاید است $720 \div 6 = 120$ بر $720 \div 6 = 120$ دلالت نمود بلکه شد که تخمیر از برادر خواهر
 و حرکت نزدیک باشد و در $720 \div 6 = 120$ بود و در $720 \div 6 = 120$ تکرار داشت که سفر میانه برادر است
 باعتبار هفتم سوم و هفتم سفر میانه منسوب است و بخطبه کجای نزدیک بود و نافع نقطه
 خاک بود و نقطه باز طالع کشودیم $720 \div 6 = 120$ شد و آتش و خاک دلالت به تیرگی خاطر و تحیر و
 اندیشه سایل نمود از جهت برادر و خواهر و یا اقربا و از سفر آنها گفتیم که سایل تخمیر است
 و اندیشه خاک از جهت منوبات خانه سوم و چون $720 \div 6 = 120$ و ریازده بود دلالت بر سفر آخرت
 و اقرب نمود و خواستیم بدانیم که حقیقت چیست نظر کردیم و چهارم سایل $720 \div 6 = 120$ بود و چهارم
 سوم که پدر برادر است و آن خانه ششم میشود دوران $720 \div 6 = 120$ بود و بر دو خاک هشت اند
 باین دلیل که $720 \div 6 = 120$ صاحب ششم است بدایره $720 \div 6 = 120$ بدو جهت اول آنکه در قسمت میزانی
 فاکش حاکم خانه هفتم است و دیگر آنکه خاک خانه چهارم و ششم خاک چند شده پس هر دو
 یکی شد ظاهر گردید برادر و برادر یک پرمانند باز خواستیم بدانیم که ما در برادر و کیست یا نه نظر نگاه
 اگر دیم که ما در سالیستان $720 \div 6 = 120$ بود و در $720 \div 6 = 120$ سوم که $720 \div 6 = 120$ است $720 \div 6 = 120$ بود و هر دو آتش اول اند

11264

100

1 2 3 4

.

چه ناری نار اول میزانی است و پنجاه صاحب خانه ۳ که تعلق با اول دارد پس ما در ایشان
 یکی است و چون ناری بی که در ۳ است بخرض به ۳ و دوم رفت و از آنجا در ۹ به بیخ پیدا
 شد و از نهم بطول حرکت نمود و در هم و ناری شد و ازین دلایل نار و ناری و با دور باد
 ظاهر شد که برادر سایل است نه خواهر و چون نظر سایل از شکل طالع که ۳ است کشودیم
 بی شده پس نظر سایل در ۳ و ۹ است و انستیم که سواش از برادر خود دارد که در سفر است
 و غایب است چرا که بی در مقرر خود که نهم است تکرار نمود و حکمش آنست و برادر او بیاید
 چرا که آتش سوم بسوم خود آمده که شکل دهم بی است و در راه است چرا که در نهم نیز هست
 و رفیق بزرگان است که باعتبار بی و بی که با هم شریک است و بی و در دهم که بزرگان
 تعلق دارد از نیت گفته و خواستیم که یک می رسد اتصال بی با شکل بی هست او بدایره
 بزوج صاحب چهار دهم است و در عدد و دوره آمده که ۲ و ۴ عدد دارد و در ۱۲ تکرار
 نموده که ۵ و ۶ عدد دارد و بگوید و هر روز است که بعد این غایب می رسد و چون ۳
 در مقرر با اجتماع نیز اجبت و شکل مرض است و نقطه خاک بی بنجاک بی در چهارم
 آمد و از چهارم هجتم رفت که ششم سوم است و هشتم خانه مرض برادر است که ششم او است پس
 حکم کردم که برادرش فریض باشد و اعدا علم بالصواب -

خانم الطبع از ریخته قلم میم شکم مقبول بارگاه ذوالهن مولوی محمد عزیز حسن سلمه
 سپاس و ستایش حضرت کبریائی ذوالجلالی که خلایات و بوم از مساحت ساحت ملکوت او قاصر است و عبادت
 و اشارات ارباب لباب ز تحمیر بر کنده بیوت جلال حیوت او متقامرین کشمندی و هوای ایدم صدر از تحمیر بخت
 و صلوات صلوات بر فات مظهر و قالب منظر سید کائنات خلاصه موجودات صاحب نشور لولا که سلطان صدر
 و ارا الملائقه خاک مهر سپهر وجود بخیر و خفا کریم وجود چراغ اهل بندیش مقصود عالم آفرینش قدوس اهل انوار مصطفی
 و بر اتباع و یاران او که نجوم فلک هدایت در نجوم شیاطین غوایب بوده اند که در حسن تقویم نسخه جلیله در علم ران
 اکمل می رسید و الریل که مولفش فرین نهد و او این علم داده و الحق چنان فرو بود که با حسن طریق نکته ای
 در سلک فکر سفته بملج فیض مجمع صاحب سخا و عطا مشهور فی الدهر و جناب نشی نول کشور صاحب ماه گشت
 مطابق شهر شهبان المبارک ۱۲۹۲ هجری زید طبع رسیده نزدیک و در راصیت صداقت داده مشتاق گردید
 حرمداران بر شیار نش مال لازم که دست کسید باز کرده بجزیدر می این رعنائی بیاستنول شوند فقط و آخر
 ان الحمد لله رب العالمین